

فصلنامه ژئوپلیتیک - سال نهم، شماره اول، بهار ۱۳۹۲

صص ۱۸۴-۱۶۶

تحلیل عملکرد شوراهای حل اختلاف در تعالی مدیریت توسعه روستایی

مطالعه موردی: روستاهای شهرستان شبستر

دکتر عبدالرضارکن‌الدین افتخاری* - دانشیار جغرافیا، دانشگاه تربیت مدرس

دکتر مهدی پورطاهری - استادیار جغرافیا، دانشگاه تربیت مدرس

سعیده فرخی سیس - کارشناس ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه تربیت مدرس

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۱/۱۰/۳

تاریخ دریافت: ۱۳۹۱/۵/۱۵

چکیده

اسناد توسعه روستایی نشان می‌دهد که مدیریت توسعه روستایی به‌عنوان یک فرآیند، تنها توسط دولت‌ها، بوروکراسی و بازار صورت نمی‌گیرد. بلکه در حال حاضر مردم و نهادهای مردمی در قالب واژه حکمروایی به‌جای واژه مدیریت و با رهیافت نهادسازی جدید و با هدف تواناسازی جوامع روستایی در نظر گرفته می‌شود. لذا، اصول و رهیافت، معماری برنامه‌ریزی با رهیافت اجتماعی و طرح‌های مشارکت روستاییان بروز و افزایش یافته است و این موارد با افزایش نقش حکمروایی در مقابل اقدامات و مداخلات مستقیم دولت همراه شده است. مقاله حاضر با هدف تحلیل عملکرد شورای حل اختلاف در تعالی مدیریت توسعه روستایی روستاهای شهرستان شبستر انجام گرفته است. روش تحقیق توصیفی-تحلیلی و پیمایشی و ابزار گردآوری اطلاعات نیز پرسشنامه بوده است. جامعه آماری تحقیق ۱۶ روستای دارای شورای حل اختلاف بخش مرکزی شهرستان شبستر می‌باشد که از بین آنها ۲۳۰ نفر از سرپرست‌های خانوار از طریق روش نمونه‌گیری کوکران انتخاب شده‌اند. در این پژوهش از تعداد ۹ شاخص و ۵۸ گویه به‌عنوان مؤلفه‌های حکمروایی خوب برای تحلیل عملکرد شورای حل اختلاف استفاده شده است. برای تحلیل داده‌ها از آزمون T تک متغیره و تحلیل واریانس استفاده شده است. بر اساس نتایج به‌دست آمده از تحلیلها، می‌توان گفت شورای حل اختلاف تا حدودی توانسته مدیریت توسعه روستایی شهرستان شبستر را تعالی بخشد.

واژه‌های کلیدی: روستا، شورای حل اختلاف، تعالی مدیریت توسعه روستایی، مدیریت نهادی.

مقدمه

در برنامه‌های مدیریت توسعه روستایی توجه به این نکته ضروری است که تنها مشارکت دموکراتیک مردم نمی‌تواند متضمن تأمین رفاه روستاییان باشد. از این‌رو در جهت مشارکت بیشتر مردم در فرایند توسعه پایدار سرزمین خویش، رهیافت حکمروایی با ایجاد نهادهای محلی و مردمی ضروری است (Sudhakar Rao, 2007: 27-31). چرا که نهادها و سازمان‌های محلی مکانیزم‌ها و فرآیندهایی هستند که از طریق آنها شهروندان و گروه‌های اجتماعی-اقتصادی می‌توانند منافع و نیازهای خود را بیان کنند، اختلافات خود را حل کرده، حقوق و تعهدات خود را در سطح محلی، انجام دهند. برای رسیدن به این هدف، مشارکت بین نهادهای محلی دولتی، سازمان‌های جامعه مدنی و بخش خصوصی نیاز است و رسیدن به این مهم نیز مستلزم توانمندسازی نهادهای محلی با در نظر گرفتن منابع و ظرفیت‌سازی آنها می‌باشد؛ و این امر با تقویت دموکراسی و توانمندسازی شهروندان، سازمان‌ها و نهادهای مردمی به‌منظور مشارکت به‌عنوان شرکای برابر در فرآیند توسعه محلی قابل دسترسی است (Douglas, 2005: 241-236)؛ اهداف چنین نهادهایی شامل تمرکززدایی از نظام اداری کشور؛ سپردن کار به مردم؛ کنترل و نظارت اجتماعی؛ تکمیل کار دستگاه‌های دولتی؛ افزایش توان دولت و هدایت برنامه‌های محلی؛ مشاوره به دولت و زیر مجموعه‌های دولت؛ مشارکت مردمی؛ تسریع در انجام امور؛ رفع تبعیض و آگاه‌سازی مردم می‌باشد (Bazi & et al, 2010: 85-104). بنابراین نهادهای مدنی ضرورت دارد در ظرفیت‌سازی برنامه‌ها، جمع‌آوری داده‌ها، تجزیه و تحلیل وضعیت، شناسایی مشکلات، و بهره‌برداری از واحدها و پروژه‌ها، مشارکت فعال داشته باشند، چرا که شواهد گویای این است که مهمترین عامل موفقیت برنامه‌های توسعه، میزان مشارکت عمومی در تصمیم‌گیری به‌وسیله ذی‌نفعان محلی است. چرا که همکاری و پیوند سهامداران مختلف درگیر در مدیریت کمبود دانش و منابع انسانی و مالی را جبران می‌کند (Dalahmeh & et al, 2009: 159-169).

با این توصیف، باید گفت مشارکت اجتماعات محلی در اداره امور مربوط به‌خود، افزون بر آثار اجتماعی و اقتصادی مثبت در همبستگی جوامع، هم به کاهش بار سنگین از دوش دولت

مرکزی و تسهیل کار منجر شده و هم ضامن اجرای صحیح برنامه‌های ملی در سطح منطقه‌ای و محلی گردیده و سرانجام رضایت اجتماعات محلی را فراهم می‌کند، بر این اساس نظریه-پردازان توسعه در عصر حاضر جهت باز تعریف نقش دولت و مردم در روند توسعه پایدار انسانی که در قالب الگوهای مشارکتی انجام می‌پذیرد، رویکرد حکمروایی خوب را مطرح ساختند (Eftekhari & et al, 2009: 93-118). در این چارچوب، مقاله حاضر با هدف پاسخگویی به این سوال انجام گرفته است که: موفقیت شورای حل اختلاف در تعالی مدیریت توسعه روستایی شهرستان شبستر چگونه است؟

مبانی نظری

مدیریت توسعه روستایی

توسعه روستایی از دیر باز به‌عنوان یک واژه هنجاری، دارای سختی‌هایی در ارزیابی و اندازه‌گیری و تشخیص بوده است و به تبع آن، سیستم اجتماعی و اقتصادی و کالبدی روستایی نیز با گذشت زمان متنوع‌تر و پیچیده‌تر شده است. این توسعه در مسیر تحول خود هم‌اکنون به یک فرآیند چندوجهی و چندسطحی تبدیل شده است که گذر از این فرآیند و رسیدن به هدف توسعه نیازمند درک درست ساختار اجتماعی-اقتصادی و اکولوژیکی روستاها با تأکید بر سیاست‌های محلی و نهادهای مدیریتی دارد (Hualou Long & et al, 2011, 1094-1105). در راستای این نگرش است که، توسعه روستایی، فرآیند افزایش انتخاب مردم، گسترش مشارکت مردمی، تواناسازی برای تصمیم‌گیری در شکل‌دهی به فضای خویش، افزایش سازمان‌های محلی و غیردولتی و تشکل‌های خودجوش محلی برای مشارکت در امور روستایی و برنامه-ریزی در امور اجرایی مختلف تعریف شده است. لیکن ناکارآمدی در استفاده از نیروهای خودجوش متشکل محلی، کاستی در رهبری صحیح و جذب افراد مستعد، و نبود قوانین و مقررات تقویت‌کننده، باعث از دست رفتن فرصت‌های مشارکت مردمی و نهادینه نشدن نهادگرایی محلی شده است (Rostampoor, 2010: 181-190). برای بهبود این وضعیت، و در راستای تحقق اندیشه توسعه پایدار، در سالهای اخیر، توسعه روستایی در قالب «توسعه

مشارکتی و نهادگرایی^۱ جدید مطرح شده که ابعاد توسعه روستایی یکپارچه، همراه با مشارکت مردم را در بر دارد. بر مبنای این رویکرد، برای اداره روستا نهادهای خاصی لازم است. در این منظر، عوامل متعددی بر توسعه روستایی تأثیرگذارند که از جمله آنها می‌توان مدیریت روستایی و حضور خبرگان و سایر گروههای اجتماعی و اقتصادی محلی (انواع شوراها) را نام برد (Poortaheri, 209: 93-118). با این توصیف، هدف از مدیریت توسعه روستایی حرکت در جهت رسیدن به وضعیت مطلوب با استفاده از پتانسیل‌ها، امکانات و توانایی‌های بالقوه و بالفعل موجود در روستاست تا بتوانند همسو با بهبود وضعیت جامعه روستایی گام بردارد. در این چارچوب، فرآیند مدیریت توسعه و برنامه‌ریزی روستایی نیز نیازمند دستیابی به یک نقطه تعادل میان قدرت‌های مؤثر در آن است که از آن به‌عنوان مدیریت مشارکتی یاد می‌شود. تغییر در شیوه مدیریتی نیز مستلزم نگاهی نو به نقش نهادهای مؤثر در روستاست (Eftekhari, 2010: 240-250). بدین معنی که به‌کارگیری همه افراد در روند تولید و خدمات و همکاری با ذی‌نفعان و شهروندان روستایی به‌منظور رسیدن به حداکثر نتایج کسب و کار و ایجاد اثرات اجتماعی، اقتصادی و زیست محیطی مثبت هم برای سازمان و هم برای ذینفعان از اصولی می‌باشد که آنرا، تعالی مدیریت روستایی می‌گویند. بر این مبنای، مدیریت سازمان می‌کوشد تا از ظرفیت‌های مردم استفاده بهینه نماید و برای رسیدن به این هدف و نیز به‌منظور بالا بردن انگیزه مشارکت روستاییان در انجام فعالیت‌ها ارتباط آنها را با سازمان (روستا) و نهاد مدیریت توسعه روستایی تقویت کند (Marcel & et al, 2004). به‌عبارت دیگر، تعالی مدیریت روستایی یعنی توجه کردن به وظایف مدیر و مدیریت در جهت رسیدن به «اهداف سازمان (روستا)» به تعبیری دیگر، رشد، بالندگی و توسعه شاخص‌ها و متغیرهایی که برای تحقق توسعه مدیریت روستا مورد نیاز است و هر کدام زمینه‌ساز تعالی سازمان و تحقق اهداف تعیین شده آن است، بیش از پیش ضروری می‌نماید. چرا که مدیریت زمانی موفق است که بتواند امکانات در دسترس خود را به‌نحوی ترکیب و تلفیق کند که به هدف مطلوب خود

دست یابد (Abdoolahian & et al, 2005: 222-246). به دنبال چنین پارادایمی^۱، رهیافت برنامه‌ریزی اجتماعی با طرح‌های مشارکتی روستاییان بروز و افزایش یافته است و این موارد با افزایش نقش حکمروایی (در قالب سازمان‌های غیردولتی) در مقابل اقدامات و مداخلات مستقیم دولت همراه شده است. سازمان‌های غیر دولتی در خارج از حیطه بخش خصوصی و دولتی و به‌عنوان بخش سوم^۲، داوطلبانه، یا بخش غیرانتفاعی^۳ مورد مراجعه افراد قرار می‌گیرند. سه نوع از این سازمان‌ها وجود دارند که سازمان‌های حفظ حقوق بشر، سازمان‌های خدمات-رسانی و انسانی، و سازمان‌های میانجیگر را شامل می‌شود که در این میان نهادهای حقوقی، سازمان‌های حل اختلاف، توانایی نظارت بر درگیرها و ارائه هشدارها و بینش اولیه در یک درگیری خاص، تقویت نهادهای حل تعارض، آموزش حل تعارض و در کل ارائه یک انجمن بی‌طرف^۴ را در حل منازعات دارند این نهادها به‌عنوان نمایندگان دموکراسی مشارکتی نباید مخالف دولت و مقامات تلقی شوند، بلکه آنها وسیله‌ای هستند که از طریق آن جامعه و شوراهای مقامات می‌توانند در کنار هم به نفع جامعه شهری و روستایی کار کنند (Benjamin.G, etal, 1999). بنابر آنچه آمد باید گفت که یکی از عوامل تسهیل‌کننده و رشد دهنده کیفی نهادهای مردمی در فرآیند توسعه روستایی نهادی شدن از بعد حقوقی است. افزون بر این، نهادهای حقوقی نیز یکی از نهادهای مردمی هستند که می‌توانند در فرآیند مدیریت توسعه روستایی و توسعه روستایی نقش آفرین باشند (Eftekhari, 2010: 240-250).

نهاد شورای حل اختلاف

شورای حل اختلاف یک رویکرد دوستانه، غیر خصمانه و فراقانونی برای از سرگیری گفتگو میان طرفین مناقشه، حفظ روابط سالم، برقراری عدالت و بازگرداندن نظم اجتماعی به هم‌خورده، است. مزیت اصلی شورای حل اختلاف امکان حل و فصل اختلافات بر اساس

1 Paradigm

2 Part III

3 Non-profit

4 Neutral forum

مسئولیت‌های توسعه‌ای و خودسازماندهی طرفین مناقشه می‌باشد؛ خاستگاه اصلی این مراکز، قوانین خانوادگی بوده است البته در بیشتر کشورهای اروپایی مراکز شورای حل اختلاف در مورد قوانین کار نیز تشکیل می‌شوند اگر چه زمینه‌های فعالیت شورا کاملاً متفاوت است اما همه آنها در یک ویژگی و کارکرد مشترک هستند و آن حفظ روابط خوب در زمان حاضر و روابط آینده است. هدف اصلی شورای حل اختلاف، حل مناقشات بیرون از دادگاه و به کمک فرد ثالث و بی‌طرف است که روند کار شامل یکی از موارد مذاکره، میانجیگری و داوری می‌باشد (Antunes & et al, 2007: 659-666)؛ که در هر دو فرآیند طرفین می‌توانند از مزایای صرفه‌جویی در وقت و هزینه، محرمانه بودن اطلاعات، حفظ رابطه و استفاده از ارزیابی کارشناسی بهره‌مند شوند (Matsumoto, 2011).

دلایل مراجعه افراد به مراکز حل اختلاف و مذاکره متفاوت است اول اینکه، در بعضی موارد، طرفین به منظور حفظ روابط کاری در حال انجام، مراجعه به این مراکز را ضروری می‌دانند. در موارد دیگر، طرفین تأکید زیادی بر حفظ محرمانه بودن اختلاف دارند. در هر دو مورد عدم اطمینان از نتیجه دادگاه یک عامل بسیار مهم به‌شمار می‌آید (Gidon & et al, 1999). دوم اینکه، اصلی‌ترین عامل بحران جوامع کنونی ریشه در نابرابری‌های اجتماعی و کاستی در اجرای عدالت دارد و به لحاظ گستردگی و تعدد دعاوی اعم از حقوقی و کیفری، دستگاه قضایی که متولی رسیدگی به این اختلافات است توان و قدرت مقابله با دعاوی چه کمی و چه کیفی را نداشته، لذا دولت‌های مشارکت‌طلب و غیرمتمرکز سعی در پیدا کردن راهی غیر از رویه‌های جاری و تصدی مطلق در رسیدگی به دعاوی را دارند. در نتیجه بهره‌گیری از توان‌های محلی توجه صاحب‌نظران امر را به خود معطوف ساخته است؛ بویژه در جوامع روستایی که از یک‌سوی، اغلب اختلافات قابلیت رسیدگی و ترفیع در محل را داشته و از سوی دیگر، دلایلی چون وسعت سرزمین، فواصل طولانی روستاها از شهرها و مراکز دادرسی، نبود آگاهی کافی روستاییان از بوروکراسی اداری دادگاه‌ها، کثرت و پراکندگی و سختی دسترسی بسیاری از روستاها بویژه در بعضی از فصول سال، لزوم اهمیت دادن به توانایی محلی و گسترش نهادهای سازش دهنده محلی را بیش از پیش نمایان می‌سازد. با این رویکرد طی دو دهه اخیر

برای حل و رفع هرچه سریع‌تر اختلافات، نهادی شبه قضایی تحت عنوان شورای حل اختلاف شکل گرفته است. این نهاد بر اساس آیین‌نامه اجرایی ماده ۱۸۹ قانون برنامه سوم توسعه کشور مورخ ۱۳۷۹/۹/۱۷ و به‌منظور کاهش مراجعات مردم به محاکم قضایی و در راستای توسعه مشارکت‌های مردمی، جهت رفع اختلافات محلی و حل و فصل اموری که ماهیت قضایی ندارند یا ماهیت آنها پیچیدگی کمی دارد، تصویب شد (Eftekhari, 2009: 93-118).

خصوصیات شورای حل اختلاف که باعث مقبولیت این نهادها در مقایسه با فرآیندهای متعارف قضایی می‌شود شامل صرفه‌جویی در وقت، محرمانه بودن، تخصص حقوقی، ارتباطات بهتر و به‌طور کلی جو سازنده‌ای است که با این نهادها همراه است (Christian, 2009). پیشینه مطالعاتی در این زمینه نشان می‌دهد که واکاوی «رنه دیوید» یکی از نخستین مطالعات در سطح جهانی است که در زمینه نهادهای قضایی در سال ۱۹۶۰ انجام گرفته است. او در این مطالعات کارکرد نهادهای داوری را از تمدنهای نخستین تاکنون مورد بررسی قرار داده است و اگرچه به‌طور مستقیم نهادهای دادرسی روستا را مورد بررسی قرار نداده است، ولی شرایط جوامع و نیز نحوه حل و فصل اختلافات را در دوره‌های ذکر شده مورد بررسی قرار داده است. در ایران نیز می‌توان به مطالعات فرشید افشار (۱۳۴۷) تحت عنوان «دادرسی روستایی در ایران و بررسی تطبیقی با دادرسی روستایی در هند» اشاره کرد، وی در این مطالعه، دادرسی روستایی و نقش و عملکرد خانه‌های انصاف روستایی را مورد توجه قرار داده است و عملکرد این نهادها را در دو کشور ایران و هند به‌صورت مقایسه تطبیقی بررسی کرده است. تحقیق دیگری تحت عنوان «خانه‌های انصاف و فلسفه ایجاد آن» توسط عباس وکیل در سال ۱۳۵۱ انجام شده که در این تحقیق علل و پیامدهای تشکیل خانه‌های انصاف روستایی و قوانین و مقررات مربوطه بررسی شده است. همچنین محسن جیلانی (۱۳۶۲) در تحقیق با عنوان «خانه انصاف و تأثیر اجتماعی آن در ایران» به بررسی عملکرد این نهاد پرداخته است. که خانه‌های انصاف را از لحاظ اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، روانی، تربیتی، قضایی و بهداشتی مورد بررسی قرار داده است. در سالهای اخیر نیز مطالعات مختلفی در رابطه با نهادهای داوری نوپا بویژه شوراهای حل اختلاف صورت گرفته که از آن جمله می‌توان به این موارد اشاره کرد: عباس جمشیدی ۱۳۸۳ در پژوهشی با

عنوان «بررسی جایگاه حقوقی شوراهای حل اختلاف موضوع ماده ۱۸۹ قانون برنامه سوم توسعه» ضمن معرفی این نهاد به دلایل شکل‌گیری و نقاط ضعف و قوت آن پرداخته است. همچنین حیدر جعفری در تحقیق خود با عنوان «صلاحیت شورای حل اختلاف و قواعد حاکم بر رسیدگی آن» بیشتر قوانین و مقررات حاکم به راین نهاد را بررسی کرده است (safari, 2009: 93-118). همچنین عبدالله صفری مرکید ۱۳۸۸ در پایان‌نامه خود تحت عنوان «ارزیابی عملکرد شورای حل اختلاف در امنیت قضایی روستاهای شهرستان مرند» کارکرد قضایی شورا را در شهرستان مورد مطالعه قرار داده و نقش آن را در برقراری امنیت قضایی روستاییان، با بررسی ابعاد مختلف امنیت قضایی مورد توجه قرار داده است.

نسبت حکمروایی و تعالی مدیریت توسعه روستایی

همان‌طور که پیش‌تر اشاره شد، رویکرد نهادی به‌عنوان رویکرد جدید مدیریت توسعه روستایی، دارای اصول پایه‌ای توجه به نهادسازی مردمی، است که از طریق دو رویکرد اساسی ظرفیت‌سازی و توانمندسازی، در جهت تحقق نهادینگی مشارکت مردمی، تلاش می‌کند. در این راستا، شواهد حاکی بر این است که ساختار اداری حکومت محلی در دهه‌های اخیر در اکثر کشورها دچار تحول شده است. و از دوره پدرسالاری در اوایل قرن بیستم به دوره جدید حکمروایی در آستانه قرن بیست و یکم تغییر یافته است؛ و حکمروایی خوب به‌عنوان الگوی جدید مدیریتی برای توسعه پایدار پذیرفته شده است. در این الگو بر همکاری و تعامل سه بخش دولتی، خصوصی و جامعه مدنی تأکید شده تا به موجب آن کشورها در سطوح مختلف سرزمین، بتوانند از همه توانمندیهای خود برای توسعه همه‌جانبه استفاده کنند (Monavarian, 2000: 135-150). بنابراین حکمروایی خوب عبارت از مشارکت همه شهروندان در تصمیم‌گیری است که بیشتر مردم فقیر را هم در تصمیم‌گیری و توزیع منابع سهم می‌کند و این حکومتی است که توسط مردم شکل گرفته و متعلق به خود آنان است (Susan M Roberts & et al, 2007). بر این اساس، برآیند اصلی حکمروایی روستایی، در موارد موفق آن، کاهش فقر و تجارب نوآورانه در ایجاد شغل و درآمد، برابری جنسیتی، مشارکت مردم در بخش بهداشت و آموزش و پرورش

برای توسعه منابع انسانی و همانند آن می‌باشد. پس برای کاهش فقر و توسعه روستایی، حکمروایی خوب در عرصه‌های روستایی یک انتخاب اجباری است. در واقع، حکمروایی خوب یک نهاد و موجودیت جدا شده نمی‌باشد بلکه با تمرکززدایی روستایی، سیاست دولت، تغییر ساختار نهادی روستایی، مشارکت فقرا در سیاست‌گذاری و فعالیت اقتصادی و اطلاعات و وسایل ارتباطی همراه می‌باشد (Sudhakar & Rao, 2006: 27-31). در این چارچوب، اگر توسعه را به‌عنوان نتیجه تعامل بین بسیاری از انواع بازیگران اجتماعی موجود در فضاهای سیاسی و اجتماعی در نظر بگیریم، ایجاد تغییر شکل، که زمینه اقدام جمعی را برای دستیابی به سیستمی فراتر از سیستم رسمی دولت-ملت موجود فراهم آورد، ضروری است. بنابراین مشارکت به تنهایی یک هدف نیست، بلکه وسیله‌ای برای تسهیل فرآیندهای شور و مشورت و سنجش بین دسته‌های مختلف بازیگران بر اساس اصول انصاف و همدلی و با هدف تحول ساختاری و شخصی می‌باشد. که این هر دو تحول برای رسیدن به توسعه پایدار ضروری است. چنین دیدگاهی از حکمروایی بر اساس اعتقاد به امکان اقدام جمعی از طریق تشدید تعامل بین بازیگران درگیر در همه سطوح پایه‌گذاری شده است (Rista & et.al, 2007:23-37). حکمروایی خوب روستایی را می‌توان راهی جهت افزایش مشارکت در تصمیم‌گیری‌های اجتماعی، اقتصادی و اکولوژیکی و همیاری در توسعه و بهره‌مند شدن از ثمرات آن تعریف کرد. با این رویکرد جدید، در امور قضایی و حل مسائل زندگی در سپهر زیست نیز با توجه به رشد روزافزون پدیده مجرمانه، بحران ناتوانی و ناکارآمدی و عدم موفقیت تظلم عدالت کیفری در به‌کارگیری صرف ضمانت اجراهای کیفری، لزوم افزایش و تقویت عملکرد برنامه‌های سیاست جنایی و سایر عوامل اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و جرم‌شناسی باعث جلب توجه به واقعیت مشارکت جامعه مدنی در برنامه‌های سیاست جنایی شده است که شوراهای حل اختلاف را می‌توان نمودی از نهادهای جامعه مدنی دانست (Eftekhari, 2009: 93). اصول و ابعاد حکمروایی خوب در جدول شماره ۱ نشان داده شده است.

جدول شماره ۱: اصول و ابعاد حکمروایی خوب و رابطه آن را با مدیریت مشارکتی

اصول	ابعاد	حکمروایی خوب	حکمروایی خوب در مدیریت مشارکتی
مشروعیت	- مشارکت - اجماع	آزادی دیدگاهها بدون تبعیض گفتمان فعال اقدام به مقررات	
پاسخگویی	- پاسخگویی - شفافیت	دانش مناسب و با کیفیت در مورد تصمیم گیری و پاسخگویی پاسخگویی به شکلهای گوناگون زبانی و غیره زبانی برای اصلاح و تشویق	
عدالت	- برابری برای بهبود و حفظ خوشبختی و رفاه - تقویت انصاف بویژه حقوق انسانی	تقویت شایسته سالاری، کمال پروری و زندگی شرافتمندانه توزیع مناسب با در نظر گرفتن هزینه‌ها و منابع و ... به کار گیری قوانین و مقررات سازگار	
جهت گیری	- داشتن چشم انداز راهبردی	- رهبری مؤثر و کارا - ترکیب آداب و سنتهای بومی با عقاید جدید - فراهم کردن برخورد های مناسب - سازگاری گفتار با عمل	

بنابر آنچه آمد، می‌توان نسبت این دو مقوله توسعه‌ای را هم علت و هم معلول توسعه، و از طرف دیگر یک فرآیند تحولی و گذار از مدیریت‌گرایی به حکمروایی دانست.

روش تحقیق

روش تحقیق در این مقاله، از نوع توصیفی-تحلیلی و پیمایشی می‌باشد. گردآوری اطلاعات نیز به سه روش پرسشنامه، مصاحبه و مطالعه اسناد و مدارک موجود صورت گرفته و جامعه آماری، سرپرستان خانوارهای روستایی دارای شورای حل اختلاف بخش مرکزی شهرستان شبستر می‌باشد. با توجه به هدف مقاله و با در نظر گرفتن ۵ سال سابقه فعالیت برای شوراهای حل اختلاف در روستاهای بخش مرکزی، تعداد ۱۶ روستا از ۲۷ روستای دارای شورای حل اختلاف بر اساس تعداد پرونده‌های موجود در دفتر شوراهای حل اختلاف از ۳ سال پیش

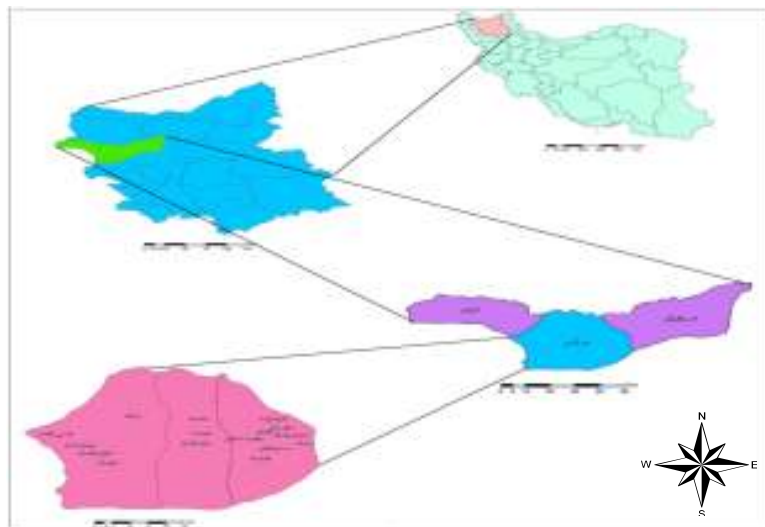
تاکنون به‌عنوان جامعه آماری انتخاب شدند و حدود ۲۳۰ خانوار از طریق روش نمونه‌گیری کوکران به‌عنوان جامعه نمونه انتخاب و از این خانوارها پرسشگری به‌عمل آمد. اطلاعات جمع‌آوری شده (تعداد ۹ شاخص و ۵۸ گویه) از طریق روش‌های تحلیل کمی (روش آماری T تک نمونه‌ای) مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته‌اند. تعداد نمونه‌ها به تفکیک روستا در جدول شماره ۲ نشان داده شده است.

منطقه مورد مطالعه و جامعه آماری

شهرستان شبستر با وسعتی معادل ۲۶۲۹/۶۹ کیلومتر مربع ۵/۷۸ درصد از کل مساحت استان را به‌خود اختصاص داده است. و از نظر مختصات جغرافیایی در عرض شمالی ۳۸ درجه الی ۳۸ درجه و ۲۸ دقیقه و در طول شرقی ۴۵ درجه و ۵ دقیقه الی ۴۶ درجه و ۱۹ دقیقه قرار گرفته است و از سمت شمال با شهرستان مرنده، از شرق با شهرستان تبریز، از جنوب با شهرستان اسکو و از غرب با دریاچه ارومیه و استان آذربایجان غربی هم‌جوار می‌باشد. بر اساس سرشماری سال ۱۳۸۵، جمعیت شهرستان حدود ۳۳۲۵۵ خانوار با ۱۲۱۷۸۷ نفر بوده است و دارای سه بخش (مرکزی، صوفیان و انزاب)، ۸ دهستان، ۵۹ روستا و ۹ نقطه شهری می‌باشد. بخش مرکزی شهرستان که محدوده مطالعاتی این تحقیق را شامل می‌شود دارای ۱۷۷۷۲ خانوار با ۶۴۳۱۲ نفر جمعیت می‌باشد که از این تعداد ۵۳۳۴ خانوار با ۲۲۲۹۴ نفر جمعیت در روستا و ۱۲۴۳۸ خانوار با ۴۲۰۱۸ نفر در شهر زندگی می‌کنند. این بخش دارای سه دهستان و شش نقطه شهری می‌باشد. موقعیت فضایی شهرستان و منطقه مورد مطالعه در نقشه شماره ۱ نشان داده شده است.

جدول شماره ۲: تعداد خانوار و نمونه انتخاب شده به تفکیک روستا بر اساس آمار ۱۳۸۵

ردیف	روستا	تعداد خانوار	جمعیت	تعداد نمونه
۱	امیر زکریا	۲۸۴	۹۵۲	۱۱
۲	زیناب	۲۸۱	۱۲۵۷	۱۴
۳	ساربان قلی	۳۳۸	۱۳۴۰	۱۸
۴	ملک زاده	۲۱۹	۹۵۷	۱۳
۵	بیکیچه خاتون	۱۹۳	۷۰۷	۱۲
۶	غلام لو	۱۰۳	۳۸۸	۱۰
۷	درویش بقال	۱۴۴	۶۱۳	۱۲
۸	علیشاه	۷۰۶	۲۶۴۹	۲۰
۹	بنیس	۴۵۵	۱۴۲۲	۱۷
۱۰	نوجده	۱۸۷	۵۷۱	۸
۱۱	دیزج خلیل	۸۴۲	۲۹۴۱	۲۴
۱۲	دریان	۶۹۱	۲۲۲۰	۱۹
۱۳	کوشک	۱۵۷	۶۲۵	۹
۱۴	علی بیگلو	۴۳۵	۱۶۸۳	۲۰
۱۵	یوسف آباد	۹۲	۳۶۲	۵
۱۶	کافی الملک	۴۱۵	۱۳۴۰	۱۸
	جمع	۵۵۴۲	۲۰۰۲۷	۲۳۰



نقشه شماره ۱: موقعیت فضایی منطقه مورد مطالعه

یافته‌های تحقیق

با توجه به هدف و سوال پژوهش، برای تحلیل عملکرد شورای حل اختلاف در تعالی مدیریت توسعه روستایی در روستاهای مورد مطالعه، برای تک تک شاخص‌ها آزمون t انجام گرفت که نتیجه آزمون و وضعیت هر یک از شاخص‌ها نسبت به متوسط عملکرد در جدول شماره ۳ آورده شده است.

جدول شماره ۳: آزمون t برای شاخص های نه گانه

%۹۹		متوسط عملکرد ۳					شاخص ها
کران بالا	کران پایین	اختلاف میانگین	سطح معنی داری Sig	درجه آزادی	میانگین شاخص ها	T	
۰.۰۷۷۴	-۰.۰۵۶۸	۰.۰۱۲۸	۰.۷۶۳	۲۲۹	۳.۰۱	۰.۳۰۲	شفافیت
-۰.۲۵۰۲	-۰.۴۰۴۹	-۰.۳۲۷۵۴	۰.۰۰۰	۲۲۹	۲.۶۷	-۸.۳۴۷	مشارکت جویی
۰.۲۰۵۹	۰.۰۶۵۴	۰.۱۳۵۶۵	۰.۰۰۰	۲۲۹	۳.۱۳۵	۳.۸۰۷	قانونمندی
۰.۱۷۲۹	۰.۰۴۷۴	۰.۱۱.۱۴	۰.۰۰۱	۲۲۹	۳.۱۱	۳.۴۵۸	پاسخگویی
۰.۰۲۳۴	-۰.۱۲۴۳	-۰.۰۵۰۴۳	۰.۱۸۰	۲۲۹	۲.۹۴۹	-۱.۳۴۶	مسئولیت پذیری
۰.۳۶۳۳	۰.۱۸۴۵	۰.۲۷۳۹۱	۰.۰۰۰	۲۲۹	۳۳۷۳	۶.۰۳۸	عدالت محوری
۰.۲۸۵۰	۰.۱۵۱۳	۰.۲۱۸۱۲	۰.۰۰۰	۲۲۹	۳.۲۱۸	۶.۴۲۸	توافق جمعی
۰.۱۰۷۰	-۰.۱۰۷۵	-۰.۰۴۵۲۲	۰.۱۵۴	۲۲۹	۲.۹۵	-۱.۴۳۱	کارایی
۰.۲۴۸۲	۰.۱۰۸۳	۰.۱۷۸۲۶	۰.۰۰۰	۲۲۹	۳.۱۷	۵.۰۱۹	جهت گیری

به دنبال آزمون فوق، بر اساس آزمون تحلیل واریانس که برای مقایسه شاخص ها انجام شد، عملکرد شورای حل اختلاف در زمینه عدالت محوری در بالاترین سطح و در زمینه مشارکت جویی در پایین ترین سطح رضایت قرار دارد. و شاخص های توافق جمعی و جهت گیری در سطح دوم و سوم، بعد از عدالت محوری، قرار دارد. بنابراین، دیدگاه کلی سرپرست خانوارها در مورد عملکرد شورای حل اختلاف در تعالی مدیریت توسعه روستایی (حکمروایی خوب) بر اساس آزمون t به صورت جدول شماره ۴ می باشد.

جدول شماره ۴: نتایج آزمون حاصل از دیدگاه سرپرستان خانوار

انحراف از میانگین	انحراف معیار	میانگین	تعداد داده	شاخص‌ها
۱.۵	۲۲.۸۷۸	۱۷۶.۳۸	۲۳۰	عملکرد

/۹۵		t-test ۱۷۴				شاخص‌ها
کران بالا	کران پایین	اختلاف میانگین	سطح معنی داری sig	درجه آزادی	T	
۵.۳۵۵	-۰.۵۸۹	۲.۳۸	۰.۱۱	۲۲۹	۱.۵۷۹	عملکرد

طبق جدول فوق، با توجه به مقدار sig به دست آمده از آزمون و همچنین با مقایسه مقدار t به دست آمده از آزمون با t جدول، از نظر روستاییان شورای حل اختلاف در زمینه مدیریت توسعه روستایی و بر اساس شاخص‌های حکمروایی خوب، در روستاهای مورد مطالعه تا حدودی عملکرد مناسب داشته و تا حدی توانسته است مدیریت توسعه روستایی را تعالی بخشد. با توجه به تأثیر مستقیم برخی عوامل (شاخص مشارکت‌جویی در سایر جنبه‌ها) در عملکرد شورای حل اختلاف تأثیر این نهاد در تعالی مدیریت توسعه روستایی معنادار نمی‌باشد؛ که، با کنار گذاشتن این شاخص از آزمون آماری، در مجموع می‌توان گفت شورای حل اختلاف مدیریت توسعه روستایی را در بیشتر شاخص‌ها تعالی بخشیده است.

نتیجه‌گیری

در عصر کنونی، قضا‌دایی، موضوع حائز اهمیتی است و نهادهایی که در این راستا تشکیل می‌شوند، در تحقق بیشتر عدالت و فصل خصومت و نیز کاهش تراکم پرونده‌ها تا حد زیادی مؤثر می‌باشند. منظور از مشارکت مردم در این فرآیند، مشارکت طرفین دعوی و هر فرد یا نهاد اجتماعی دیگری غیر از افراد و نهادهای عمومی دولتی و رسمی می‌باشد که با هدف بهبود و ارتقای وضعیت سیستم و در کنار سایر اهداف صورت می‌گیرد. تحقق مشارکت موجب شکل‌گیری نهادهایی خواهد شد که مردم از طریق این نهادها در تصمیم‌گیری‌های سپهر زندگی

خود شرکت می‌کنند. این نهادها همچنین در شکل‌گیری تولید و حمایت از کیفیت زندگی و فرایندهای سیاست‌گذاری این نوع هدف‌ها مؤثرند و یکی از ابزارهای مؤثر مدیریت فراگیر روستایی هستند که در شکل‌دهی به کیفیت زندگی و تغییر سیاستها نقش مهمی ایفا می‌کنند. در واقع گسترش مشارکت‌های مردمی و برعهده گرفتن بخشی از وظایف توسعه‌ای، فرآیندی است که زمینه شکل‌گیری حکمروایی خوب را در عرصه‌های زیستی بشر (شهر و روستا) فراهم می‌آورد. بی‌تردید حکمروایی خوب که به مشارکت و گسترش نهادهای مردمی، توسعه روابط بین بازیگران جامعه جهت تسریع توسعه، کاهش فقر، ایجاد شغل و رفاه پایدار، حفاظت و تجدید محیط زیست و رشد و توسعه زنان توجه و تأکید ویژه‌ای دارد، تسهیل‌گر روند توسعه همه‌جانبه و پایدار جوامع خواهد بود. البته همه این اهداف زمانی قابل دسترسی است که زمینه و امکان تحقق آنها در روستاها فراهم گردد که ایجاد نهادهای مدیریتی و مردمی در سطح روستاها، در راستای رهیافت مدیریت نهادی، می‌تواند زمینه لازم را فراهم کند. و در نتیجه تعالی مدیریت توسعه روستایی را تسهیل کند. با این پشتوانه فکری و در راستای اجرای حکمروایی روستایی، شوراهای حل اختلاف روستایی با هدف افزایش مشارکت‌های مردمی در امور قضایی خویش، کاهش مراجعات روستاییان به محاکم قضایی و گسترش فرهنگ صلح و سازش از طریق کدخدانمنشی در روستاها شکل گرفتند. نتایج حاصل از این پژوهش نشان می‌دهد شورای حل اختلاف تا حدودی عامل مؤثر در تعالی مدیریت توسعه روستایی در روستاهای مورد مطالعه می‌باشد. و از لحاظ عملکرد، در سطح شاخص‌ها، در اکثر شاخص عملکرد مطلوبی داشته است. لیکن در دیدگاه کلی، به‌رغم تحقق تعالی مدیریت توسعه روستایی، کاستی‌هایی در عملکرد شورای حل اختلاف روستایی (حداقل در روستاهای مورد مطالعه) وجود دارد. داده‌های تحلیلی مؤید این است که با وجود عملکرد مثبت در اغلب شاخص‌های مورد تحلیل، در بعضی شاخص‌ها نتیجه مورد نظر حاصل نشده است و شورای حل اختلاف عملکرد مطلوبی در این زمینه نداشته است. بنابراین لزوم برنامه‌ریزی و تقویت شوراهای حل اختلاف به‌لحاظ عملکرد در این شاخص‌ها احساس می‌شود. با تمام اینها می‌توان گفت: با وجود غیرحرفه‌ای بودن و سطح پایین تخصص حقوقی اعضای شوراهای

حل اختلاف، این نهادها در اشاعه فرهنگ صلح و سازش، تحقق مدیریت نهادی در روستاها و افزایش مشارکت مردمی یک عامل مؤثر به‌شمار می‌آید. و از طرف دیگر نیز از هجوم پرونده‌ها در مراکز دادگستری کم می‌کند.

References

1. Eftekhari, Abdolreza and et al (2007); New approach on rural management with emphasis Institution influence rural and development, Journal of rural and development, No2, PP:1-30 [in Persian].
2. Eftekhari, Abdolreza (2010); Rural development management (Theoretical foundations), SAMT, PP:140-150 [in Persian].
3. Eftekhari, Abdolreza and et al (2009); Role dispute resolution councils in the security judicial Villagers, Journal of social sciences university ferdowsi, PP: 93-118 [in Persian].
4. Abdolahian, Hamid and et al (2006); Measure of rural management performance in Iran on the factors affecting the management of villagers in Iran, Journal of management. No 267, PP: 227-246 [in Persian].
5. Bazi, Khodarahm and Hedayati Salah (2010); Process changes rural management in Iran with emphasis on performance of Islamic Councils case study Region sistan, Journal of rural and development, 2010, PP: 85-104 [in Persian].
6. Dalahmeh S., Assayed M., Weal T (2009); Suleiman Themes of stakeholder Participation in greywater management in rural communities in Jordan, Desalination (243), PP:159-169.
7. Douglas D (2005); the restructuring of local government in rural regions: A rural development perspective, Journal of Rural Studies (21), 231-246.
8. Duve, Ch (2009); Arbitration and alternative dispute resolution in insurable law-a practitioners approach, ERA Forum (10), PP:177-189.
9. Feroznia, ghadir and et al (2010); landscape and physical Development Planning system of rural areas in Iran, Revolution Housing foundation, Tehran [in Persian]
10. Gidron B., Stanley.K, et, 1999, Pace and Conflict Resolution Organizations in Three Protracted Conflicts: Structures, Resources and Ideology, International Journal of Voluntary and Nonprofit Organization (10), No4, 275-298.
11. Justice Shabestar City, summer (2011) [in Persian].
12. Loghman, Rashidpoor (2010); The role of community- based management of process sustainable rural development province Azerbaijani gharbi, journal Extension and Education, No 4, fall 2010 [in Persian].
13. Long H., Zou J., Pykett J., Yurui Li., 2011, Analysis of rural transformation development in China since the turn of the new millennium, Applied Geography (31), 1094-1105.

14. Midgley J.L., Shucksmith D.M., Birnie R.V., Geddes A., Bayfield N., Elston D (2005); rural development policy and community data needs in Scotland, *Land Use Policy* (22), 163-174.
15. Monavarian, Abas (2000); Of good Government and good Coherence, public management [in Persian].
16. Rostampoor. Hoshang and et al(2010); Study operation Rural Islamic Councils and effect Literacy rate in the members it(case study city Der), *Journal of urban management*, No 26, Vol 181-190 [in Persian].
17. Rao B.S (2006); Poverty Focused Rural Good Governance in Asia Common wealth Countries, *CIRDAP*, Bangladesh, 27-31.
18. Rista S., Chidambaranathan M., Escobar C., Wiesmann U., Zimmermann A (2007); From sustainable management to sustainable governance of Natural resources the role of social learning processes in rural India, Bolivia and Mali, *Journal of Rural Studies*(23), 23-37.
19. Safari, Abdollah (2009); Role dispute resolution councils in the judicial villagers, Thesis of M.S. faculty Humanities, University of Tarbiat modares [in Persian].
20. van Marrewijk M., Wuisman I., Cleyn W., Timmers J, Panapanaan Lassi Linnanen V (2004); a phase-wise development approach to business excellence. Toward an innovative, stakeholder-oriented assessment tool for organizational excellence and SR, *journal of business ethics* (55), 83-98.